

حکومتِ قادیِ مطلق

ظهورِ دولتِ تمامیتِ خواه و جنگِ تمام عیار

Ludwig von Mises

سرشناسه	: فون میزس، لودویگ، ۱۸۸۱ - ۱۹۷۳ م. Von Mises, Ludwig
عنوان و نام پدیدآور	: حکومت قادر مطلق : ظهور دولت تمامیت خواه و جنگ تمام عیار/ نویسنده لودویگ فون میزس؛ مترجم شیدوش سپهرداد. تهران: آماره، ۱۴۰۳.
مشخصات نشر	: ۳۶۲ ص.
مشخصات ظاهری	: شابک 978-622-5286-27-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Omnipotent government; the rise of the total state and total war., [1969, c1944].
عنوان دیگر	: ظهور دولت تمامیت خواه و جنگ تمام عیار.
موضوع	: توتالیتاریسم -- Totalitarianism نازیسم -- National socialism سیاست اقتصادی -- Economic policy روابط بین المللی -- International relations
شناسه افزوده	: سپهرداد، شیدوش، ۱۳۷۶-، مترجم
شناسه افزوده	: فرهاد، نوع پرست، ۱۳۵۷-، ویراستار
رده بندی کنگره	: JC۴۸۱
رده بندی دیویی	: ۹/۳۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۵۴۶۴۴

حکومتِ قادِرِ مطلق

ظہورِ دولتِ تمامیتِ خواہ و جنگِ تمامِ عیار

لودویگ فون میزس

مترجم: شیدوش سپہرداد

ویراستار: فرہاد نوع پرست



نشر آمارہ

Nashr-e-Amareh, MMXXV ش



نشرآماره

عنوان کتاب: حکومت قادر مطلق؛ ظهور دولت تمامیت خواه و جنگ تمام عیار	Title: OMNIPOTENT GOVERNMENT
نویسنده: لودویگ فون میزس	Author: Ludwig von Mises
مترجم: شیدوش سپهرداد	Translator: Shidvash Sepehrdad
ویراستار: فرهاد نوع پرست	Editor: Farhad Nouparast
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۸۶-۲۷-۶	ISBN: 978-622-5286-27-6
نوبت چاپ: اول؛ تاریخ چاپ: اسفند ۱۴۰۳	The 1 st Edition Published: 2025
تیراژ: ۳۰۰ نسخه	Circulation: 300 impression
هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشرآماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.	No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher (Amareh Press).
محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه های پدیدآورنده توسط ناشر می باشد و مسئولیت درستی آن به عهده ی ایشان می باشد.	The views expressed in this book represent those of the individual Authors and Editors. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh Press).
ش تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشرآماره محفوظ است.	ش ALL RIGHTS RESERVED: for the Amareh Press.

دفتر مرکزی نشرآماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین،

پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وب سایت نشرآماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

قیمت: ۴۴۰ هزار تومان



لودویگ فون میزس (۱۸۸۱-۱۹۷۳)
فیلسوف و اقتصاددانِ مکتبِ اتریش

برخی از آثار:
سوسیالیسم (۱۹۲۲)
لیبرالیسم (۱۹۲۷)
بوروکراسی (۱۹۴۴)
حکومت قادر مطلق (۱۹۴۴)
کنش انسانی (۱۹۴۹)

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۱
دیباچه	۱۵
بخش یک: افول لیبرالیسم آلمانی	۳۵
یکم: لیبرالیسم آلمانی	۳۷
۱- نظام کهن و لیبرالیسم	۳۷
۲- ضعف لیبرالیسم آلمان	۴۲
۳- ارتش پروس	۴۴
۴- کشمکش بر سر قانون اساسی در پروس	۴۸
۵- برنامه‌ی «آلمان کوچک»	۵۰
۶- داستان لاسال	۵۳
دوم: تفوق ملیتاریسم	۵۶
۱- ارتش پروس در امپراتوری جدید آلمان	۵۶
۲- ملیتاریسم آلمانی	۵۹
۳- لیبرال‌ها و ملیتاریسم	۶۵
۴- تفسیر معاصر از موفقیت ملیتاریسم	۶۶
بخش دو: ناسیونالیسم	۶۹
سوم: دولت‌گرایی	۷۱
۱- ذهنیت جدید	۷۱
۲- دولت	۷۳
۳- آموزه‌های سیاسی و اجتماعی لیبرالیسم	۷۶
۴- سوسیالیسم	۷۹
۵- سوسیالیسم در روسیه و آلمان	۸۴
۶- مداخله‌گرایی	۸۸

- ۷- دولت گرایی و حمایت گرایی ۹۶
- ۸- ناسیونالیسم اقتصادی و قیمت های انحصاری داخلی ۹۹
- ۹- خودبسندگی یا آتارکی ۱۰۳
- ۱۰- حمایت گرایی آلمان ۱۰۵
- چهارم: دولت گرایی و ملی گرایی ۱۱۰
- ۱- اصل ملیت ۱۱۰
- ۲- گروه زبانی ۱۱۶
- ۳- لیبرالیسم و اصل ملیت ۱۲۲
- ۴- ناسیونالیسم تهاجمی ۱۲۶
- ۵- امپریالیسم استعماری ۱۳۰
- ۶- سرمایه گذاری خارجی و وام های خارجی ۱۳۵
- ۷- جنگ تمام عیار ۱۳۸
- ۸- سوسیالیسم و جنگ ۱۴۲
- پنجم: رد برخی از تبیین ها و تعریف های سفسطه آمیز ۱۴۷
- ۱- ایرادهای تبیین ها و تعاریف متداول ۱۴۷
- ۲- ادعای نابخردانه بودن ناسیونالیسم ۱۴۸
- ۳- آموزه ی آریستوکراسی ۱۵۲
- ۴- کج فهمی داروینیسم ۱۵۷
- ۵- نقش شوونیسم ۱۵۹
- ۶- نقش اساطیر ۱۶۲
- بخش سه: نازیسم آلمانی ۱۶۷
- ششم: ویژگی های خاص ناسیونالیسم آلمانی ۱۶۹
- ۱- بیداری ۱۶۹
- ۲- تفوق پان ژرمنیسم ۱۷۲
- ۳- ناسیونالیسم آلمانی در جهان دولت گرا ۱۷۶
- ۴- نقدی بر ناسیونالیسم آلمانی ۱۷۹
- ۵- نازیسم و فلسفه ی آلمان ۱۸۲
- ۶- چند منطق گرایی ۱۸۵

۱۹۰	۷- پان ژرمنیسم و نازیسم
۱۹۲	هفتم: سوسیال دموکرات ها در امپراتوری آلمان
۱۹۲	۱- افسانه
۱۹۴	۲- مارکسیسم و جنبش کارگری
۱۹۹	۳- کارگران آلمانی و دولت آلمان
۲۰۶	۴- سوسیال دموکرات ها در نظام طبقاتی آلمان
۲۰۹	۵- سوسیال دموکرات ها و جنگ
۲۱۴	هشتم: نگرش ضد سامی و نژادپرستی
۲۱۴	۱- نقش نژادپرستی
۲۲۰	۲- مبارزه با فکریهودی
۲۲۸	۳- مداخله گرایی و تبعیض قانونی علیه یهودیان
۲۳۴	۴- «خنجر از پشت»
۲۳۶	۵- نگرش ضد سامی به عنوان عاملی در سیاست بین الملل
۲۴۲	نهم: جمهوری وایمار و سقوط آن
۲۴۲	۱- قانون اساسی وایمار
۲۵۳	۲- سوسیالیستی سازی نافرجام
۲۵۷	۳- احزاب مسلح
۲۶۲	۴- پیمان ورسای
۲۷۰	۵- رکود اقتصادی
۲۷۱	۶- نازیسم و کارگران آلمانی
۲۷۴	۷- منتقدان خارجی نازیسم
۲۸۲	دهم: نازیسم به عنوان یک مشکل جهانی
۲۸۲	۱- دامنه و محدودیت های تاریخ
۲۸۴	۲- مغلطه ی مفهوم «شخصیت ملی»
۲۸۸	۳- مسیری بازگشت آلمان
۲۹۱	۴- آلترناتیو
۲۹۵	بخش چهار: آینده ی تمدن غرب
۲۹۷	یازدهم: توهم برنامه ریزی جهان

۲۹۷	۱- اصطلاح «برنامه ریزی».....
۲۹۸	۲- عقده‌ی دیکتاتوری
۳۰۰	۳- حکومت جهانی.....
۳۰۳	۴- تولید برنامه ریزی شده
۳۰۸	۵- توافقنامه‌های تجارت خارجی.....
۳۱۳	۷- برنامه ریزی بین‌المللی دادوستد سرمایه
۳۱۵	دوازدهم: طرح‌های صلح
۳۱۵	۱- کنترل تسلیحات
۳۱۹	۲- نقدی بر چند طرح پیشنهادی
۳۲۵	۳- اتحادیه‌ای از دموکراسی‌های غربی
۳۳۱	۴- صلح در اروپای شرقی
۳۳۹	۵- مشکلات آسیا
۳۴۱	۶- نقش جامعه‌ی ملل
۳۴۳	نتیجه

پیشگفتار

علوم اجتماعی در مواجهه با مسائل سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی تنها یک پرسش را در نظر می‌گیرد: آیا اقدامات پیشنهادی و اصلاحی برای رسیدن به نتایج مطلوب پژوهشگران واقعاً مناسب‌اند یا اینکه - از منظر حامیان آن - منجر به وضعیتی می‌شوند که حتی از حالت قبلی، که قرار بود آن را تغییر دهند، نامطلوب‌تر است. یک اقتصاددان، داوری خود را در مورد فایده‌مندی اهداف نهایی جایگزین قضاوت شهروندان نمی‌کند. او فقط می‌پرسد آیا اهدافی که ملت‌ها، دولت‌ها، احزاب سیاسی و گروه‌های فشار در جست‌وجوی آن هستند؛ می‌توانند با روش‌هایی که برای تحقق آن‌ها انتخاب شده است، به دست آیند؟

مطمئناً این یک کار دشوار و بی‌اجرو پاداش است. اکثر مردم هیچ نقدی را به اصول و اعتقادات اجتماعی و اقتصادی خود تحمل نمی‌کنند. آن‌ها درک نمی‌کنند که ایرادات و استدلال‌های مخالفی که مطرح می‌شوند، فقط به روش‌های نامناسب دستیابی به اهداف اشاره دارند و درباره‌ی اهداف نهایی تلاش‌های آنان چون و چرا و مناقشه نمی‌کنند. آن‌ها حاضر به پذیرش این احتمال نیستند که با پیروی از توصیه‌های اقتصاددانان امکان دستیابی به اهدافشان بیشتر می‌شود تا با نادیده گرفتن آن. آن‌ها هرکسی را که جرأت کند از سیاست‌های محبوب‌شان انتقاد کند، دشمن ملت، نژاد، یا گروه خود می‌نامند.

این جزم‌اندیشی لجوجانه، زیانبار و یکی از علل اصلی وضعیتی بد کنونی جهان است. اقتصاددانی که ادعا می‌کند قانون حداقل دستمزدها ابزار مناسبی برای ارتقای سطح زندگی حقوق‌بگیران نیست، نه «بدجنس» است و نه دشمن کارگران. در مقابل، او، با پیشنهاد روش‌های مناسب‌تر برای بهبود رفاه مادی حقوق‌بگیران تا آنجا که می‌تواند، به ارتقای واقعی رفاه آن‌ها کمک می‌کند.

ذکر مزیت‌هایی که هر کس از کارکرد نظام سرمایه‌داری به دست می‌آورد، به معنای دفاع از منافع سرمایه‌دارها نیست. اقتصاددانی که چهل-پنجاه سال پیش، از حفظ نظام مالکیت خصوصی و بنگاه‌داری آزاد دفاع می‌کرده؛ طرفدار منافع طبقاتی خودخواهانه‌ی ثروتمندان آن زمان نبوده است؛ بلکه او می‌خواست آزادی اندیشه و عملی را برای عده‌ای از هم‌عصران بی‌پولش فراهم کند؛ کسانی که نبوغ ابتکار و توسعه‌ی صنایع جدید را داشتند و امروزه سبب

ارتقای سطح استاندارد زندگی مردم عادی شده است. درست است که بسیاری از پیشگامان این تغییرات صنعتی ثروتمند شدند؛ ولی آن‌ها ثروت خود را با عرضه‌ی خودرو، هواپیما، دستگاه‌های رادیویی، یخچال، تصاویر متحرک صامت و ناطق و انواع نوآوری‌های مفید، به دست آوردند. این محصولات نوین قطعاً دستاورد صاحب منصبان حکومتی و بوروکرات‌ها نبوده است. حتّٰی یک پیشرفت فنی را نمی‌توان به حساب شوری گذاشت. بهترین چیزی که روس‌ها بدان دست یافته‌اند، کپی کردن برخی از پیشرفت‌های سرمایه‌دارانی بود که روس‌ها همچنان آن‌ها را تحقیر کرده و برتری‌شان را انکار می‌کنند. بشر به مرحله‌ی کمال غایی تکنولوژیک نرسیده است. فضای گسترده‌ای برای پیشرفت بیشتر و برای بهبود بیشتر سطح استانداردهای زندگی مردم وجود دارد. "روح خلاق و مبتکر" با وجود تمام ادعاهایی که برخلاف آن وجود دارد، به حیات خویش ادامه می‌دهد؛ ولی تنها در جایی شکوفا می‌شود که آزادی اقتصادی وجود دارد.

همچنین اقتصاددانی که ثابت می‌کند ملت‌ی در یک سرزمین خیلی دور مثلاً در ناکجاآباد در اجرای سیاست‌های تجارت بین‌الملل، به منافع اساسی خویش آسیب می‌زند، دشمن و بدخواه مردمش نیست. بیهوده است به منتقدان سیاست‌های نامناسب دشنام بدهیم و به انگیزه‌های آنان بدگمان شویم. این کار ممکن است صدای حقیقت را خاموش کند؛ ولی نمی‌تواند سیاست‌های نامناسب را مناسب جلوه دهد.

طرفداران کنترل تمامیت‌خواهانه، نگرش مخالفان خود را منفی‌گرایی می‌نامند. آن‌ها وانمود می‌کنند در حالی که خودشان خواستار بهبود شرایط هستند؛ دیگران قصد دارند تافساد و بدی‌ها را جاودانه سازند. این کار، قضاوت تمام مسائل اجتماعی از منظر ذهن کوتاه‌بین بوروکرات‌هاست. تنها برای بوروکرات‌ها می‌تواند این تصوّر پیش آید که ایجاد ادارات جدید، صدور احکام و پُست‌های جدید و افزایش تعداد کارکنان حکومت به تنهایی می‌تواند اقداماتی مثبت و مفید قلمداد شود؛ و بقیه‌ی کارها در برابر این اقدام‌ها مُنفعَل و تسلیم‌اند.

برنامه‌ی آزادی اقتصادی منفی‌گرایانه نیست. هدف آن، مثبت‌اندیشانه، استقرار و حفظ نظام اقتصاد بازار مبتنی بر مالکیت خصوصی ابزار تولید و بنگاه‌داری آزاد است. هدف آن رقابت آزاد و حاکمیت مصرف‌کنندگان است. لیبرال‌های واقعی، به دلیل پیامدهای منطقی این خواسته‌ها، با همه‌ی تلاش‌ها برای جایگزین ساختن کنترل‌های تمامیت‌خواهانه‌ی حکومت به جای کارکرد اقتصاد بازار آزاد مخالف‌اند. عبارت «لیسه‌فر لسه‌پاسه» به این معنی نیست که: بگذار بدی‌ها پایدار بمانند؛ برعکس بدین معناست که: در عملکرد بازار دخالت

نکنید؛ زیرا چنین دخالتی الزاماً تولید را محدود و مردم را فقیرتر می‌کند. علاوه بر این، بدان معناست که: چوب لای چرخ اقتصاد و نظام سرمایه‌داری نگذارید؛ سیستمی که علی‌رغم همه‌ی موانعی که حکومت‌ها و سیاستمداران بر سر راه آن قرار داده‌اند، سطح استاندارد زندگی مردم را به شکلی بی‌سابقه‌ای بالا برده است.

آزادی، چنانچه پیشروان آلمانیِ نازیسم ادعا می‌کردند، آرمانی منفی نیست. اینکه یک مفهوم به شکل مثبت یا منفی ارائه شود، صرفاً یک مسئله‌ی عامیانه است. آزاد شدن یا رهایی از فقر مساوی است با نمایاندنِ عزمِ راسخ برای دستیابی به وضعیتی که در آن مایحتاج مردم بهتر تأمین می‌شود. آزادی بیان مساوی با حالتی است که در آن هر کس می‌تواند آنچه را می‌خواهد بگوید.

در رأس همه‌ی آموزه‌های توتالیتترین باور و آموزه نهفته است که حاکمان از رعیت‌های خود عاقل‌تر و والاترند و بنابراین بهتر از خود مردم می‌دانند که چه چیزی به مصلحت آنان است. ورنر سومبارت، که سال‌ها مدافع متعصبِ مارکسیسم بود و بعداً طرفدار متعصبِ نازیسم شد، آنقدر جرأت داشت صریحاً ادعا کند که پیشوا دستوره‌ای خود را از خدا، پیشوای برتر جهان، دریافت می‌کند و رهبری، مکاشفه‌ای همیشگی است.^۱ هر کس این را تصدیق کند، البته که نباید از زیر سؤال بردن مصلحتِ مطلقِ حکومت حرفی بزند.

کسانی که با این توجیه دین‌سالارانه‌ی دیکتاتوری مخالف‌اند، حق دارند آزادانه در باب مشکلات مربوطه بحث کنند. آن‌ها از تحلیل مفاهیم متافیزیکیِ هِگلیسم و مارکسیسم کوتاه نمی‌آیند و تمام این سخن‌سرایی‌های بلندبالا را به این سؤال ساده تقلیل می‌دهند: آیا ابزارهای پیشنهادی و روش‌های مناسب برای رسیدن به اهداف وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش، آن‌ها امیدوارند که به اکثریتِ بزرگِ هم‌نوعان خود خدمت کنند.

نیویورک

ژانویه ۱۹۴۴

لودویگ فون میزس

^۱ نگاه کنید به: (1934) *Deutscher Sozialismus*، صفحه ۲۱۳. ترجمه‌ی انگلیسی آن عبارتند از:

(1937) *A New Social Philosophy*، ص ۱۹۴

دیباچه

یک

نکته‌ی اساسی برنامه‌های حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان تصرف «فضای حیاتی»^۱ یا لِبِنسراوم برای آلمانی‌ها است؛ یعنی سرزمینی چنان گسترده و سرشار از منابع طبیعی که آلمانی‌ها می‌توانند در آن با خودکفایی اقتصادی و با استانداردِی که کمتر از دیگر ملت‌ها نیست، زندگی کنند. بدیهی‌ست این برنامه، که دیگر ملت‌ها را تهدید کرده و به چالش می‌کشد، جز از طریق استقرار سلطه و هژمونی جهانی آلمان محقق نمی‌شود.

نشانه‌ی بارز نازیسم، سوسیالیسم یا توتالیتاریسم یا ناسیونالیسم نیست. امروزه در همه‌ی کشورها، «ترقی‌گرایان» مشتاق‌اند سوسیالیسم را جایگزین کاپیتالیسم کنند. بریتانیا و ایالات متحده در حین مبارزه با متجاوزان آلمانی، گام‌به‌گام، الگوی سوسیالیسم آلمانی را اتخاذ می‌کنند. افکار عمومی در هر دو کشور کاملاً متقاعد شده که کنترل همه‌جانبه‌ی حکومت بر کسب‌وکار و تجارت در زمان جنگ اجتناب‌ناپذیر است و بسیاری از سیاستمداران برجسته و میلیون‌ها رأی‌دهنده، قاطعانه مصمم به حفظ سوسیالیسم پس از جنگ، به‌عنوان نظم اجتماعی نوین و پایدار هستند. دیکتاتوری و سرکوب خشونت‌آمیز مخالفان نیز از ویژگی‌های خاص نازیسم نیست. این‌ها، شیوه‌ی حکومت شوروی هستند و به همین خاطر در سراسر جهان از سوی دوستان بی‌شمار روسیه‌ی کنونی حمایت می‌شوند. ناسیونالیسم - پیامد مداخله‌ی حکومت در تجارت، چنانکه در این کتاب نشان داده خواهد شد - در عصر ما سیاست خارجی هر ملتی را هدایت و جهت‌دهی می‌کند. چیزی که نازی‌ها را به خودی خود متمایز می‌سازد، نوع خاص ناسیونالیسم آن‌هاست؛ یعنی تلاش برای رسیدن به فضای حیاتی یا لِبِنسراوم.

^۱ لِبِنسراوم (Lebensraum) در لغت به معنای فضای حیاتی است و به زمین و مواد اولیه اشاره دارد - م

نمایه

- آتارکی ۱۸, ۲۵۳, ۱۰۳
آدولف واگنر ۲۱۹, ۱۷۱, ۱۰۷,
آریایی‌گرایی ۱۷۷,
آریستوکراسی ۱۵۴, ۱۵۳, ۱۵۲, ۸,
آسیا ۳۱۳, ۳۰۱, ۱۶۹, ۱۴۵, ۱۴۱, ۱۳۲, ۱۰,
۳۳۹, ۳۴۹
آلویس هودال ۲۲۲,
آوگوست استریندبری ۱۲۹,
آگوست بیل ۱۹۳,
آلبرشت فون رون ۴۷,
آلمانی‌های کوچک ۵۲, ۵۱,
آنارشیسم ۷۶,
آموزش اجباری ۳۳۶, ۳۲۰,
اتحادیه‌ی اروپای شرقی ۳۳۵,
اتریش ۸۶, ۶۲, ۵۹, ۵۲, ۵۰, ۴۸, ۴۳, ۴۱,
۲۶۲, ۲۳۹, ۲۲۹, ۱۸۰, ۱۷۰, ۱۳۸, ۱۲۹, ۱۱۹,
۳۴۹, ۳۳۷, ۳۳۶, ۳۳۵, ۳۳۲, ۳۲۲, ۳۲۱, ۲۹۲,
ادوارد هفتم ۱۹۱,
ارنست رنان ۱۲۲,
استالین ۳۰۰, ۲۶۲, ۲۲۶, ۲۲۴, ۸۲, ۳۳, ۲۹,
۳۴۵
استاندارد طلا ۳۱۰, ۳۰۹, ۲۷۶, ۲۷۵, ۱۰۶,
۳۱۱
اسلواک‌ها ۳۳۷, ۳۳۲, ۱۵۶, ۱۲۹, ۱۲۰,
اشپنگلر ۱۸۱,
اقتصاد بومی ۱۸۹,
- اقتصاد دستوری ۲۵۳, ۲۲۵, ۱۳۵, ۹۵, ۸۶,
۳۵۴, ۳۲۵, ۳۲۴, ۲۹۷, ۲۷۸, ۲۵۶, ۲۵۵, ۲۵۴
امپریالیسم ۱۳۱, ۱۳۰, ۱۰۱, ۶۸, ۶۷, ۲۱, ۸,
۳۰۱, ۲۸۹, ۲۳۶, ۱۹۸, ۱۴۷, ۱۴۴, ۱۳۵,
امیل دوبوآریمون ۳۰,
انترناسیونال ۲۲۷, ۲۱۲, ۲۱۱, ۲۱۰, ۱۹۸, ۱۹۳,
انقلاب نوامبر ۲۵۷, ۲۴۸,
اورا لیندا ۳۱,
اوکراینی‌ها ۳۳۷, ۳۳۲, ۱۶۹, ۱۲۹, ۱۲۸,
بانک جهانی ۳۱۲,
برتراند راسل ۲۳۷,
برنامه‌ریزی ۸۴, ۸۳, ۸۲, ۷۹, ۲۲, ۱۷, ۱۰, ۹,
۲۳۷, ۲۰۲, ۱۹۵, ۱۷۱, ۱۱۳, ۱۱۲, ۹۳, ۹۰,
۳۰۳, ۳۰۰, ۲۹۹, ۲۹۸, ۲۹۷, ۲۶۹, ۲۵۷, ۲۵۶,
۳۲۵, ۳۱۸, ۳۱۵, ۳۱۳, ۳۱۰, ۳۰۹, ۳۰۷, ۳۰۵,
۳۴۴, ۳۳۱, ۳۲۸,
برنامه‌ی هیندنبورگ ۲۵۶, ۲۵۴, ۸۷,
بسط اعتبار ۳۱۳, ۳۱۲, ۳۱۱, ۳۱۰,
بلژیک ۱۵۱, ۱۳۱, ۱۱۹, ۱۱۱, ۱۰۹, ۱۰۵, ۲۹,
۳۱۹, ۳۰۹, ۲۹۱, ۲۸۰, ۲۶۴, ۲۳۴, ۱۷۰,
بلشویسم ۲۳۹, ۲۲۷, ۲۲۵, ۲۲۴, ۹۵, ۷۹, ۲۷,
۳۲۵, ۲۴۹, ۲۴۷,
بنجامین مک‌آلستراندسون ۲۷۰,
بوروکراسی ۵,
بیانیه‌ی آتلانتیک ۲۷۹,

حمایتگرایی، ۸، ۱۷، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۳۰، ۱۴۵، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۲۹۱، ۲۸۹، ۲۸۱، ۳۴۶، ۳۳۰، ۳۲۷، ۳۱۵،

خودبستگی، ۸، ۱۸، ۲۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۶، ۲۶۸، ۲۵۳، ۲۵۲، ۳۴۹، ۳۴۶، ۳۴۰، ۳۰۸، ۳۰۶، داروینیسیم ۱۵۷، ۸،

دانمارک ۲۶۴، ۵۲، ۵۱، ۴۸، دتلف فون لیلنسرون ۲۸۶، ۲۰۶،

دریفوس ۲۳۹،

دولت گرایی، ۷، ۸، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۴۲، ۱۱۰، ۹۶، ۸۹، ۸۸، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۵۴، ۴۳، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۱، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۷۴، ۱۶۴، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۷، ۱۴۲، ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۷۷، ۲۵۶، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۲۷، ۱۸۶، ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۲، ۳۳۰، ۳۲۷، ۳۲۲، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۴۸

دیکتاتوری، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۸۲، ۱۵۴، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۷۴، ۲۵۱، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۹۹، ۲۹۸،

رابرت میشلز ۱۵۴،

رایشبانر ۲۶۰،

رزا لوکزامبورگ ۲۴۸، ۲۴۵، ۱۹۳،

رهایی آذوقه ۳۴۷،

روتاری ۲۲۲،

روست ون تونینگن ۳۴۱،

رومانیایی ها ۳۳۲، ۳۲۳، ۱۶۲، ۱۲۲،

ژرژ سورل ۱۶۳، ۸۲،

ژرژ مندل ۲۴۰،

سازمان بین المللی کار ۹۸، ۹۷،

بیسمارک، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۸۰، ۱۷۴، ۱۶۹، ۶۶، ۶۵، ۳۲۲، ۲۱۸،

پادشاهی موروثی ۶۱،

پان ژرمنیسیم، ۸، ۹، ۳۷، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۱۹، ۱۹۰،

پرزیدنت ویلسون ۲۴۲، ۱۹۱،

پروس شرقی ۲۶۳، ۳۳۶،

پروفسور تیرالا ۱۸۱، ۱۸۷،

پیتر یوزف دیتسگن ۱۸۶،

پیمان ورسای، ۹، ۲۳۹، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۲۸۹، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹،

تجزیه‌ی رایش ۳۲۲،

تورم، ۱۹، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳،

توماس کارلایل ۷۳،

تی. جی. کروتر ۲۶،

جامعه‌ی ملل، ۱۰، ۲۰، ۳۲، ۱۱۵، ۱۳۱، ۲۳۶، ۳۴۲، ۳۴۱، ۲۷۹، ۲۳۹،

جان بل کندلیف ۳۴۲،

جورج سانتایانا ۱۸۲،

جیمز ادوارد میدی ۳۴۲،

چندگانه‌انگاری منطقی ۱۵۲،

چندمنطق گرایی، ۸، ۱۵۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹،

حزب مرکزی، ۱۷۵، ۲۰۴، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۷۱، ۲۷۳،

حزب میهن ۲۳۵، ۱۵۱،

حکومت جهانی ۳۴۷، ۳۴۱، ۳۰۰، ۲۴، ۱۰،

حکومت فدرال ۳۴۷، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۲۸، ۳۲۷،

شونیسیم، ۱۶۵، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۶، ۸،
 ۲۱۴
 شیلر، ۳۲۰، ۲۸۶، ۱۸۱، ۱۲۹، ۴۲، ۳۹، ۲۲،
 صرب‌ها، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۲، ۳۲۳، ۲۹۲، ۱۲۱،
 ۳۳۹
 صلح، ۳۲، ۳۱، ۲۶، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۰،
 ۱۰۵، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۶۳، ۵۹، ۵۶، ۴۴، ۳۴، ۳۳،
 ۱۵۱، ۱۴۸، ۱۴۶، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۳۵، ۱۲۵، ۱۲۴،
 ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۷۰، ۱۵۹، ۱۵۷، ۱۵۶،
 ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۲۷، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۱۹۱، ۱۸۳،
 ۲۸۶، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۶، ۲۶۲، ۲۵۸، ۲۵۳، ۲۳۷،
 ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۹۷، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۸۹، ۲۸۸،
 ۳۴۱، ۳۳۸، ۳۳۳، ۳۳۱، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۱۹،
 ۳۴۸، ۳۴۵، ۳۴۲
 صلح‌طلبی، ۲۳۶، ۲۲۳، ۲۲۱، ۱۸۱، ۱۴۱،
 صهیونیسم، ۱۱۸
 ضد سامی، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۴، ۹،
 ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۳۵
 فرانتس اوپنهایم، ۳۴۴
 فرای‌کور، ۲۶۱، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷،
 فردیناند لاسال، ۵۳
 فریدریش اشتال، ۲۱۹
 فریدریش انگلس، ۲۲۳، ۲۱۱،
 فریدریش دوم، ۲۱۸، ۶۲، ۶۰، ۴۴، ۴۱،
 فریدریش کبیر، ۳۳۶، ۱۸۲،
 فریدریش لیست، ۱۸۹، ۱۰۶، ۷۲،
 فریدریش ویلهلم اول، ۷۳، ۶۲، ۴۴،
 کارل اشمیت، ۱۲۶
 کارل لیبکنشت، ۲۴۸، ۱۹۳،
 کارل مارکس، ۱۹۴
 کارل منگر، ۱۸۹

سالوادورد ماداریاگا، ۳۱
 سرمایه‌گذاری خارجی، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۳۵، ۸،
 ۳۱۴، ۱۷۲، ۱۴۵
 سرهنگ هنتش، ۶۴
 سوسیالیزاسیون، ۲۵۵، ۲۵۳،
 سوسیالیستی‌سازی، ۲۵۴، ۲۵۳، ۱۹۹، ۱۹۵، ۹،
 ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵
 سوسیالیسم، ۵۴، ۴۳، ۲۰، ۱۹، ۱۵، ۸، ۷، ۵،
 ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۷، ۷۲، ۷۱، ۶۶،
 ۱۱۵، ۱۰۳، ۹۶، ۹۵، ۹۳، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۶،
 ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۲،
 ۱۹۴، ۱۹۱، ۱۸۹، ۱۶۴، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۰،
 ۲۲۵، ۲۲۳، ۲۱۹، ۲۰۵، ۲۰۳، ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۵،
 ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۴۹، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۲۷، ۲۲۶،
 ۲۸۸، ۲۷۵، ۲۷۳، ۲۶۲، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵،
 ۳۴۴، ۳۴۰، ۳۲۷، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۰۰، ۲۹۸، ۲۹۷،
 ۳۴۶، ۳۴۷
 سوئیس، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۰۹، ۱۰۶، ۵۱،
 ۳۲۲، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۸۰، ۲۷۸، ۲۱۳، ۲۰۵، ۱۷۰،
 ۳۳۵، ۳۲۸، ۳۲۷
 سیاست اجتماعی، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۰، ۸۹،
 ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۰۵، ۲۰۳، ۱۰۹
 سیدنی وب، ۲۰۳
 سیلزی، ۳۳۶، ۳۱۷، ۱۱۹
 شارل آندلر، ۱۹۳
 شایدمان، ۲۴۵، ۲۰۶
 شخصیت ملی، ۲۸۸، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۹،
 شلسویگ، ۳۱۷، ۲۶۴، ۵۱، ۴۸،
 شلیفن، ۶۴
 شوگون، ۶۵

- کانت ۲۹۳، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۳۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۲۲،
کائوتسکی ۲۵۶، ۱۹۷،
کریدور لهستان ۲۶۳،
کریستوف اشتدینگ ۱۲۶،
کلارنس اشترايت ۳۲۷،
کمونيسم ۲۴۹، ۲۴۴، ۱۹۴، ۱۴۲، ۷۹، ۷۲،
۳۲۵، ۳۲۴، ۲۷۴، ۲۶۱، ۲۵۱، ۲۵۰،
کنترل تسليحات ۳۱۵، ۱۰،
کنش انسانی ۵،
کنگره‌ی وين ۳۲۰، ۲۶۹، ۱۱۱،
گوته ۲۸۶، ۲۸۳، ۲۱۹، ۱۸۱، ۱۶۲، ۴۲، ۲۲،
۳۲۰،
گوستاف اشتريزمان ۱۹۱،
گوستاوفون اشمولر ۱۷۱،
گوستاوهروه ۲۱۰،
لبنسراوم ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۷۷، ۲۶۹، ۱۰۵، ۱۶، ۱۵،
۳۲۵، ۳۲۱،
لرد کينزا ۳۱۰، ۳۱۰،
لنين ۳۴۵، ۲۴۷، ۲۲۵، ۱۶۴، ۱۵۳، ۸۲، ۲۴،
لودندورف ۲۵۹، ۲۴۷، ۲۳۴، ۲۲۰، ۶۴، ۶۳،
۲۷۴،
لورنزفون اشتاين ۷۲،
ليبراليسم ۴۶، ۴۳، ۴۲، ۳۷، ۳۵، ۲۵، ۱۸، ۷،
۷۲، ۷۱، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۵۴، ۵۲، ۵۰، ۴۹، ۴۸،
۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۲، ۱۱۲، ۸۸، ۷۹، ۷۸، ۷۶،
۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۳۶، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۷،
۱۸۳، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۴، ۱۶۱، ۱۵۷، ۱۵۴،
۲۳۳، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۳، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۰۵، ۲۰۲،
۳۲۵، ۳۲۱، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۷۶، ۲۴۷،
۳۴۸، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۳۹، ۳۳۲،
ليبراليسم ايتاليایی ۴۳،
لينکلن ۳۴۳،
مترنيخ ۳۲۰، ۲۰۴، ۵۱، ۴۲،
مجارها ۳۳۷، ۳۲۳، ۱۶۲، ۱۲۸، ۱۱۳، ۱۱۲،
۳۳۸،
مداخله گرايي ۹۵، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۷۷، ۷۱، ۷،
۱۵۰، ۱۲۶، ۱۲۱، ۱۱۵، ۱۰۳، ۱۰۱، ۹۹، ۹۶،
۲۰۵، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۴، ۱۷۷، ۱۶۴، ۱۵۶، ۱۵۵،
۲۳۶، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۸، ۲۱۹، ۲۱۰،
۳۴۶، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۰۸، ۳۰۷، ۲۹۸، ۲۸۸، ۲۴۱،
مدیرکارخانه ۲۹۸، ۲۷۸،
مستعمرات ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۱۰، ۳۳،
۳۳۹، ۲۸۸، ۲۶۸، ۲۱۲، ۱۷۱،
مسيحيت ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۱۸۵، ۱۷۰، ۱۶۴،
۲۲۳،
مطلق گرايي ۶۵، ۶۲، ۶۱، ۵۴، ۵۲، ۴۶، ۴۲،
۲۰۵، ۱۴۱، ۱۳۲، ۱۲۱، ۸۲، ۶۸، ۶۷، ۶۶،
ملکه لوئيز پروس ۱۱۹،
ملی سازی ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۸۶،
مولتکه ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۵۶،
میلتياريسم ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۵۹، ۵۶، ۷،
۳۴۰، ۲۸۶، ۲۲۰، ۲۱۱، ۲۰۸، ۲۰۲، ۱۹۲، ۱۸۴،
ميهن پرستی ۲۴۱، ۲۳۹، ۱۶،
ناپلئون اول ۳۱۹، ۲۷۰، ۱۱۱،
ناپلئون سوم ۳۲۲، ۲۶۹، ۱۱۱، ۵۶، ۵۲، ۵۱، ۴۹،
نازیسم ۳۳، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۳، ۱۵، ۹، ۸، ۲،
۱۶۷، ۱۶۵، ۱۵۱، ۱۱۹، ۹۳، ۶۷، ۵۵، ۴۲، ۳۷،
۱۹۲، ۱۹۰، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۷۷، ۱۷۶،
۲۳۱، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۴،
۲۷۳، ۲۷۱، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۵۷، ۲۴۵، ۲۴۱، ۲۳۹،
۲۹۱، ۲۸۸، ۲۸۵، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۴،
۳۴۳، ۳۲۵، ۳۱۸، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲،

- هنریک ایبسن ۱۱۷ ,
 هیتلر, ۱۵۰, ۱۳۴, ۱۲۲, ۸۷, ۸۲, ۳۳, ۲۸, ۲۲, ,
 ۲۳۷, ۲۲۵, ۲۲۴, ۲۲۲, ۲۱۴, ۱۹۴, ۱۹۱, ۱۸۱,
 ۲۶۱, ۲۶۰, ۲۵۹, ۲۵۱, ۲۴۱, ۲۴۰, ۲۳۹, ۲۳۸,
 ۳۴۵, ۳۲۴, ۲۸۷, ۲۷۴, ۲۷۱, ۲۶۸, ۲۶۲,
 والت راتناو ۲۲۳, ۱۹۱, ,
 ورنر سومبارت ۳۴۵, ۲۲۸, ۱۳, ,
 ولتر ۱۸۳, ۱۸۲, ۱۶۱, ۱۳۸, ,
 ویدکون کوئیسلینگ ۳۴۱, ۲۴۱, ,
 ویلهلم دوم, ۱۹۱, ۱۸۲, ۱۷۵, ۶۳, ۶۲, ۶۰, ۵۸, ,
 ۲۴۸
 یکسان سازی زبانی ۱۱۴, ,
 یونانیان ۳۳۸, ۲۹۲, ۱۲۲, ,
- ناسیونالیسم اقتصادی, ۲۲, ۲۱, ۲۰, ۱۷, ۸, ,
 ۱۵۰, ۱۴۶, ۱۴۵, ۱۳۷, ۱۲۸, ۱۲۱, ۹۹, ۹۶, ۲۶, ,
 ۳۰۴, ۳۰۳, ۲۹۷, ۲۹۱, ۲۹۰, ۲۸۸, ۲۱۲, ۲۱۰, ,
 ۳۴۸, ۳۴۲, ۳۳۱, ۳۳۰, ۳۲۷, ۳۱۷, ۳۱۳, ۳۱۱, ,
 ناسیونالیسم فرانسوی ۱۵۶, ,
 نورنبرگ ۲۳۱, ۲۱۷, ۲۱۴, ,
 نیکلاس کوپرنیک ۳۱, ,
 هانری دی مان ۱۵۵, ,
 هانس دلبروک ۵۹, ,
 هگل ۱۸۳, ۷۱, ,
 هند بریتانیا ۲۸۸, ,
 هند شرقی ۲۳۸, ۱۷۱, ۱۳۱, ۱۳۰, ,
 هنریش فون کلايست ۲۸۶, ۴۲, ,